

جودیت باتلر: چگونه می‌توانیم پسران را از مردستان‌ها نجات دهیم؟

مجله تخصصی

شیرین کریمی*



Illustration by Daniel Pudles - Ikon Images

منوسفر (Manosphere) اصطلاحی که بیش از یک دهه است در میان انگلیسی‌زبانان رواج یافته است؛ این اصطلاح از ترکیب دو واژه‌ی Man به معنی مرد و sphere به معنی سپهر تشکیل شده است؛ در زبان فارسی می‌توان برای آن معادل‌هایی مانند «مردستان»، «حیطه‌ی مردان»، «سپهر مردان»، «فضای مردان» و «مردکده» را در نظر گرفت. در متن حاضر از معادل مردستان استفاده می‌شود. مردستان‌ها جمع‌ها و گروه‌های آنلاین در وبسایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی، و پیام‌رسان‌ها هستند که در آن‌ها اعضا، که همگی مرد هستند، برخی از اشکال خصومت با زنان و زن‌ستیزیِ اغراق‌آمیز را ترویج و تشویق می‌کنند. اعضای این گروه‌ها به بحث و تبادل نظر در مورد مسائل مردان می‌پردازند؛ این فضاها معمولاً از اصطلاحات خاصی برای بیان نظرات‌شان استفاده می‌کنند، که ممکن است حاوی نوعی انتقاد از جامعه‌ی مدرن و نقش‌های جنسیتی باشد. در مردستان‌ها اعضا به جنبه‌های مختلف زندگی مردان، از جمله روابط با زنان، مردانگی، مشکلات اجتماعی و اقتصادی، نقدِ فمینیسم، و همچنین مسائل مربوط به سلامت روان مردان می‌پردازند. اصطلاح مردستان یا منوسفر اغلب متضمن مفاهیمی مانند مسائل حقوقی مردان و گاه دیدگاه‌های ضد زن نیز می‌باشد. همچنین این اصطلاح برای فعالیت‌ها، رسانه‌ها یا چهره‌های برجسته‌ای به کار می‌رود که به نظر می‌رسد ترویج‌دهنده‌ی مردانگی سمی هستند، به خصوص زمانی که با ایدئولوژی‌های راست‌گرا مرتبط باشند. به نوشته‌ی سارا برنشتاین در نیویورک تایمز^۱ نمونه‌ی طرز فکری که درون، و از طریق، مردستان‌ها به سایر مردان تسری پیدا کرده است بدبینیِ رمانتیک است که این ایده را مطرح می‌کند که قرارگذاشتن با زنانِ امروزی برای شروع رابطه‌ی عاشقانه، محکوم به شکست است و نمی‌توان به زنان مدرن اعتماد کرد.

اما مردستان‌ها مدافعانی هم دارند. حامیانِ مردستان‌ها این فضاها را مکان‌هایی برای تبادل نظر مثبت درباره‌ی مردان و مسائل مربوط به آنان می‌دانند. نویسندگان و سخن‌گوییانی که در این فضاها فعالیت می‌کنند، ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند؛ از نظرات انتقادی و آموزنده تا نظرات افراطی و خصمانه. مثلاً بن ریچ و ابوا بوجالکا^۲ می‌نویسند بسیاری از مردان جوان، نه با نفرت از زنان، بلکه با تمایل به رفع ابهام درباره‌ی نحوه‌ی عملکرد دنیای اطرافشان (و مهم‌تر از آن، نحوه‌ی عملکرد رابطه

چه گونه می‌توانیم پسران را از مردستان‌ها نجات دهیم؟

با زنان) با مردستان‌ها آشنا می‌شوند. اما ورود به این فضاها و معاشرت با سایر اعضا می‌تواند تقویت‌کننده‌ی ضدیت با فمینیسم، ستیز با زنان و ترویج مردانگی سمی شود. جودیت باتلر، فمینیست و نظریه‌پرداز آمریکایی، در گفت‌وگویی با کانال *PoliticsJOE* در یوتوب مباحثی را طرح می‌کند که می‌تواند پاسخی به این پرسش باشد: «چگونه می‌توانیم پسران را از مردستان‌ها نجات دهیم؟»؛ ویدئوی کامل این گفت‌وگو را می‌توانید در [اینجا](#) مشاهده کنید. در ادامه چند نکته‌ی کلیدی که باتلر در این گفت‌وگو و در پاسخ به این مسئله بیان می‌کند آمده است. باتلر به مردانگی سمی و پویایی مردستان‌ها و جذابیت این فضاها برای پسران پرداخته و بینش‌های او برای درک سازوکار این فضاها روشنگر است.

باتلر معتقد است مردانگی سمی خصلت ذاتی مردان نیست، بلکه محصول ساختارها و هنجارهای اجتماعی است. او از «پیمان برادری» (*pact of fraternity*) میان مردان انتقاد می‌کند؛ پیمان برادری توافقی خاموش بین مردان است که اغلب خشونت ضد زنان و گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده را نادیده می‌گیرد. این پیمان معافیت از مجازات را تداوم می‌بخشد و خشونت ضد زنان را بخشی از زندگی روزمره و رفتاری عادی جلوه می‌دهد. باتلر استدلال می‌کند که برچیدن این پیمان مستلزم آن است که مردان، حتی به قیمت طرد اجتماعی، به طور فعال با چنین هنجارهایی مخالفت کنند.

به نظر باتلر آسیب‌رساندن به دیگری، نوعی تجاوز به انسانیت خود فرد، یا ازدست‌دادن بینش نسبت به انسانیت خود، یا حتی نابودی آن است؛ پسران اغلب از هنجارهای مردانه‌ای که مجبور به اجرای آن هستند، رنج می‌برند، به خصوص اگر این هنجارها وحشیانه، تحقیرکننده یا خشونت‌آمیز باشند. این پسران به چیزی تبدیل می‌شوند که از درون صدمه دیده است؛ مردانی آسیب‌دیده می‌شوند. وقتی مردان خشونت می‌ورزند دختران و زنان هستند که آسیب می‌بینند، اما اگر از منظر عدالت ترمیمی نگاه کنیم هر دو طرف آسیب دیده‌اند و هر دو طرف باید تغییر کنند و روایت‌های خود را بازگو کنند؛ اگر دختران و زنان آسیب دیده‌اند مردان باید در تلاش برای جبران، مسئولیت کارهایی را که کرده‌اند بپذیرند.

باتلر این پرسش را طرح می‌کند که چرا مردان جذب مردستان‌ها (مَنوسفیرها) می‌شوند؟ مردستان‌هایی که در شبکه‌های آنلاین اغلب ترویج‌کننده‌ی زن‌بیزاری و

ضدیت با فمینیسم هستند. او معتقد است که ناامنی‌های اقتصادی و اجتماعی نقش مهمی در ایجاد چنین جذابیتی ایفا می‌کنند. پسرانی هستند که با هنجارها مطابقت ندارند، در مدارس مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند و «نازک‌نارنجی» دیده می‌شوند، و از طرف دیگر دختران قوی هستند که به چشم یک تهدید نگریسته می‌شوند. در جامعه‌ی امروز شمار زیادی از مردان جوان خشمگین و منزوی هستند، به اینترنت دسترسی دارند و در واقعیت نمی‌توانند رابطه‌ی مطلوب خود را با دیگری برقرار کنند، بنابراین جذب مردستان‌ها می‌شوند؛ آن‌ها به ترامپ رأی دادند چون فکر می‌کردند دنیا علیه آن‌هاست و مقصر این وضعیت را فمینیسم می‌داند، این مردان احساس می‌کنند از حقوق خود محروم شده‌اند یا تغییرات اجتماعی را نوعی تهدید تلقی می‌کنند، و به دنبال تسلی خاطر می‌روند و در مردستان‌هایی که مروج و تقویت‌کننده‌ی مفاهیم سنتی برتری مردان‌اند احساس تعلق می‌کنند. جذب‌شدن به چنین گروه‌هایی که در طیف راست افراطی قرار می‌گیرند در واقع واکنشی است به احساس از دست دادن جایگاه و میل به بازیابی کنترل.

با این‌که برخی اعضای این مردستان‌ها آشکارا با جودیت باتلر و ایده‌های او خصومت دارند، باتلر از همدلی با این افراد می‌گوید. او معتقد است که شناخت و در نظر گرفتن علل زمینه‌ای خشم و نارضایتی این مردان برای ایجاد گفت‌وگو و تغییر ضروری است. همچنین او تأکید می‌کند که پاسخ‌گودن افراد در قبال کنش‌هایشان اهمیت دارد و ساختارهای اجتماعی که رفتارهای سمی را امکان‌پذیر می‌سازند باید به چالش کشیده شود؛ او امیدوار است روزی این مردان بتوانند مسئولیت اعمال خود را بپذیرند و به نوع دیگری از انسان تبدیل شوند.

¹ Sarah Bernstein, *New York Times*, 30 Nov. 2024

² Ben Rich and Eva Bujalka, *The Conversation*, 12 Feb. 2023